

ضرر کارت‌های بازرگانی صوری برای تجارت

ایجاد شناسه دیجیتال برای کالا و بازرگان، همراه با قوانین روشن و نظارت دقیق، امنیت و پایداری تجارت را تضمین می‌کند

این وضعیت بر تولید و اشتغال نیز تأثیر مستقیم دارد. نبود دسترسی مطمئن به ارز برای واردات نهاده‌ها یا صادرات باعث می‌شود سرمایه‌گذاری به فعالیت‌هایی سوق پیدا کند که بازده سریع‌تر و ریسک کمتری دارند. فعالیت‌هایی که غالباً در حاشیه اقتصاد رسمی و به‌صورت غیررسمی انجام می‌شوند. نتیجه این جابه‌جایی کاهش رشد در صنایع با ارزش افزوده بالا، افت تولید ملی و افزایش بیکاری یا اشتغال‌های موقت و کم‌کیفیت است. این چرخه معیوب تنها با اصلاحات نهادی و یکپارچه‌سازی جریان‌های ارزی و نظارت بر سامانه‌ها قابل شکستن است.

چالش‌های بین‌المللی و محدودیت دیجیتال

مسأله کارت‌های بازرگانی تنها یک دغدغه داخلی نیست و باید در چارچوب نظام بین‌المللی و تقسیم کار جهانی تحلیل شود. ساختار اقتصادی جهان، کشورهایی مانند ایران را عمدتاً در نقش صادرکننده مواد خام و نیمه‌خام قرار داده است؛ ساختاری که هرچه بازار داخلی کمتر پایدار باشد، فشار برای افزایش صادرات منابع خام نیز بیشتر می‌شود. از این رو، سیاست‌های تجاری نباید صرفاً به مقابله با قاچاق محدود شوند، بلکه بازاریابی ساختار صادراتی و تقویت زنجیره‌های ارزش ضروری است تا تولید ملی از محدودیت خام‌فروشی‌هایی یابد.

از سوی دیگر، دیجیتالیزاسیون فرایندها به تنهایی تضمین‌کننده شفافیت یا کنترل دقیق نیست. اگر سامانه‌های جدا و غیرهمگن دیجیتال شوند، صرفاً تغییر شکل اداری حاصل می‌شود و همان سازوکارهای ناکارآمد با پوششی جدید ادامه می‌یابند. شناسه دیجیتال کالا زمانی کارآمد است که در بستری یکپارچه با سیاست ملی، استانداردهای تبادل داده و اتصال بانکی-گمرکی قرار گیرد. بدون این همگرایی، داده‌ها به آسانی تکه‌تکه یا قابل دستکاری خواهند بود و اصلاحات فناورانه اثر واقعی خود را نخواهد گذاشت؛ چرا که زیربنای نهادی و نظارتی هنوز شکل نگرفته است.

فناوری‌های نوین و اجرای مرحله‌ای

تجربه کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد فناوری می‌تواند نقش محوری در شفافیت و کنترل جریان کالا و ارز ایفا کند. در ایالات متحده، سامانه‌های یکپارچه گمرکی و بانکی مبتنی بر تبادل لحظه‌ای داده به نهادهای نظارتی این امکان را می‌دهند که هرگونه انحراف در جریان کالا یا پرداخت‌ها را بلافاصله شناسایی کنند. الگوریتم‌های تطبیق الگو و تحلیل تراکنش‌های مالی، مسیر کامل محموله‌ها را ظرف چند دقیقه بازسازی می‌کنند و هر نقطه ضعف اطلاعاتی را نمایان می‌سازند. در چین نیز ادغام سامانه‌های پنجره واحد با ابزارهای تحلیل کلان داده، امکان پیگیری سریع و مقیاس‌پذیر محموله‌های حساس را فراهم ساخته است. ابزارهای فناورانه متعددی در دسترس اند؛ از فناوری زنجیره بلوکی برای ثبت غیرقابل‌تغییر سابقه محموله‌ها گرفته تا سامانه‌های تشخیصی تقلب مبتنی بر یادگیری ماشین و رابط‌های استاندارد تبادل داده میان نهادها. با این حال، کاربرد مؤثر این فناوری‌ها مستلزم وجود چارچوب حقوقی و سازمانی مستحکم است. قوانین شفافیت اطلاعات تجاری باید بازنگری شوند و مسئولیت نهادهای دخیل بازتعریف شود تا دسترسی قانونی و کنترل دقیق برای نهادهای نظارتی و قضائی فراهم گردد. یک برنامه اجرایی واقع‌گرایانه می‌تواند در چند مرحله طراحی شود: نخست، تعیین استانداردهای داده‌ای و طراحی شناسه یکتای کالا و بازرگان؛ دوم، ایجاد مرکز فنی ملی برای پیاده‌سازی پنجره واحد و اتصال بانکی؛ سوم، اجرای پایلوت در گروه‌های کالایی مهم و ارزیابی نتایج؛ و چهارم، توسعه تدریجی به کل زنجیره تجارت خارجی همراه با آموزش نیروی انسانی و تقویت زیرساخت‌های قضائی برای مقابله با تخلفات. چنین رویکرد مرحله‌ای، هزینه‌های اجرایی را قابل مدیریت می‌سازد و مقاومت ذی‌نفعان نامشروع را کاهش می‌دهد و زمینه تحقق شفافیت و نظم در تجارت خارجی را فراهم می‌آورد.

توجه به بعد انسانی و فسادسستیزی نیز ضروری است. فناوری تنها ابزار است و اگر نهادهای نظارتی ضعیف یا گرفتار فساد باشند، داده‌ها ممکن است دست کاری شوند یا تفسیرشان نابجا صورت گیرد. بنابراین تقویت پروتکل‌های امنیت اطلاعات، تدوین سازوکارهای گزارش‌دهی مستقل و حمایت از روزنامه‌نگاری تحقیقاتی و نهادهای مدنی برای نظارت همگانی از ملزوماتی است که باید هم‌زمان با تغییرات فناورانه اجرا شود.



▲ تقلب در کارت‌های بازرگانی، کورسوی تجارت ما را با بن‌بست مواجه می‌کند

غیرمستقیم زمینه‌ساز رشد فعالیت‌های خارج از چارچوب رسمی شوند. در ایران، کارت‌های بازرگانی به عنوان هویت بازرگان، گاهی موجب شکاف‌های نهادی شده و امکان سوءاستفاده‌هایی در مسیر تجارت فراهم کرده‌اند. این وضعیت نه تنها سرمایه‌گذاری در بخش تولید را محدود می‌کند، بلکه رشد و پویایی صنایع مولد را نیز کند می‌سازد. تجارب اقتصادی جهانی نشان می‌دهد اصلاحات نهادی و شفاف‌سازی فرایندها می‌تواند هم هزینه مبادله را کاهش دهد و هم فضای امن و قانونمند برای فعالیت‌های تجاری ایجاد کند، به گونه‌ای که هم تولید تقویت شود و هم اقتصاد رسمی پایدار بماند.

متأسفانه بسیاری از تحلیل‌ها و بعضی پیشنهادها سیاستی به جای پرداختن به عمق مسأله، به دنبال راه‌حل‌های سطحی‌اند؛ حذف کارت فیزیکی و جایگزینی آن با شناسه دیجیتال یا کاهش مجوزها مثال‌هایی از این قبیل‌اند. این رویکرد که گاهی به عنوان تسهیل «اداری» مطرح می‌شود، ناتمام و حتی مخدوش است زیرا از نقش نهادها در تنظیم رفتار اقتصادی غفلت می‌کند. نهادها و شرکت‌ها مولفه‌هایی هستند که برای کاهش هزینه‌های مبادله و تقسیم‌کاری شکل می‌گیرند؛ حذف آنها بدون جایگزینی ساختاری و نظارتی مناسب تنها به ازدیاد آشفتنگی دامن خواهد زد.

سازوکار داخلی شرکت‌ها و نظارت هوشمند

برای درک بهتر مسئله کارت‌های بازرگانی، نگاه به درون سازمان‌ها ضروری است. در هر شرکت، فرآیند خرید و فروش بر اساس دستورالعمل‌های مشخصی انجام می‌شود: مأمور خرید، فهرست اقلام مورد نیاز را دریافت و بر اساس استانداردها اقدام می‌کند و مأمور فروش نیز خروج کالا را طبق فرآیندهای از پیش تعیین‌شده سامان می‌دهد. هیچ‌بنگانه‌ی به شکل نامحدود به این مأموران اجازه تصمیم‌گیری مستقل نمی‌دهد، زیرا آزادی مطلق می‌تواند کل سازوکار داخلی شرکت را مختل کند. بنابراین، پرسش اصلی این است که مجوزهای بازرگانی تنها باید متوجه صاحب کارت باشند یا باید شامل کالا و فرایندهای درون سازمانی نیز شوند تا امکان رصد دقیق چرخه حیات کالا فراهم آید. این رویکرد، راهی ملایم و واقع‌گرایانه برای همسان‌سازی کنترل و بهره‌وری

کارت‌های بازرگانی یکی از ابزارهای اساسی در نظم‌دهی به تجارت داخلی و خارجی کشور محسوب می‌شوند و هدف اصلی آنها تسهیل مبادلات قانونی، کاهش هزینه‌های مبادله و حمایت از تولیدکنندگان و بازرگانان است. با این حال، تجربه عملی نشان می‌دهد در برخی دوره‌ها و موارد، سازوکارهای نظارتی و سامانه‌های مدیریت کارت‌های بازرگانی نیازمند تقویت بوده‌اند تا عملکرد این ابزار بهینه و همسو با اهداف کلان اقتصادی کشور باشد. آمارها حاکی است بخشی از واردات و صادرات در قالب اسناد صوری یا غیرشفاف انجام می‌شود و بر منابع ارزی کشور اثرگذار است؛ به گونه‌ای که در طول سال‌های گذشته، این اثرات قابل توجه بوده و ضرورت ارتقای شفافیت و نظارت دقیق را برجسته کرده است.

این واقعیت اقتصادی، تنها به مدیریت منابع ارزی محدود نمی‌شود؛ بلکه بر تولید، اشتغال و تعادل بازارها نیز تأثیرگذار است. با بهبود سازوکارهای دیجیتال، یکپارچه‌سازی سامانه‌ها و ایجاد سازوکارهای ردیابی دقیق کالا و ارز، می‌توان جریان قانونی تجارت را تقویت و از هرگونه انحراف احتمالی پیشگیری کرد. توجه به این نکته اهمیت دارد که اصلاحات نباید به حذف ابزارهای موجود محدود شود، بلکه هدف آن ارتقای بهره‌وری، کاهش ریسک‌های غیرمنتظره و تقویت ظرفیت‌های تولید و اشتغال کشور است.

در این راستا، نگاه کارشناسی نشان می‌دهد تجربه جهانی در کشورهای پیشرفته نمونه‌ای روشن برای مدیریت بهینه تجارت خارجی است: ترکیب کدهای دیجیتال یکتا برای بازرگانان و محموله‌ها، سامانه‌های پنجره واحد تجاری، و استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی در حسابرسی و ردیابی کالا، ابزارهای مؤثری برای حمایت از اقتصاد رسمی و ارتقای ثبات بازارها هستند. در ایران نیز حرکت به سمت چنین سامانه‌ها یکپارچه، علاوه بر حفاظت از منابع ارزی، موجب افزایش شفافیت، کاهش ریسک و تقویت اعتماد فعالان اقتصادی خواهد شد و زمینه‌ساز رشد پایدار در تولید و اشتغال خواهد بود.

نهادهای ناکارآمد و اقتصاد سایه‌وار

یافته‌ها نشان می‌دهد نهادهای ناکارآمد می‌توانند هزینه فعالیت‌های قانونی را افزایش دهند و به طور

قادر محمدپور شریف

روزنامه نگار

یادداشت



محمد اتابک

وزیر صنعت، معدن و تجارت

اصناف

ستون اقتصاد ملی

نقش اصناف در اقتصاد ایران همواره فراتر از اعداد و شاخص‌ها بوده است. سه میلیون واحد صنفی در سراسر کشور، با اشتغال نزدیک به ۹ میلیون نفر، نه‌فقط به‌عنوان بازیگران خرد بازار بلکه به‌عنوان ستون‌های استوار تولید، توزیع و مصرف شناخته می‌شوند. آنچه امروز بیش از همیشه اهمیت دارد، حفظ جایگاه این نهاد ریشه‌دار و پاسداری از استقلالش است که به آن امکان داده تا در شرایط دشوار اقتصادی نیز کارآمد باقی‌بماند.

تحولات پرشتاب اقتصاد جهانی و گسترش فناوری‌های دیجیتال، ساختار سنتی فعالیت‌های صنفی را با چالش‌های تازه‌ای روبه‌رو کرده است. اما برخلاف تصور رایج، این تحولات تهدیدی برای اصناف نیستند؛ بلکه فرصتی‌اند برای بازآفرینی نقش آن‌ها در اقتصاد ملی. اگر اصناف بتوانند با تحولات فناورانه هم‌سو شوند، با استفاده از داده، پلتفرم و نوآوری، نه‌تنها بقای خود را تضمین می‌کنند بلکه می‌توانند یکی از بازوهای قدرتمند توسعه کشور تبدیل شوند.

اصناف در سال‌های اخیر نشان داده‌اند که از درون، ظرفیت تحول دارند. بسیاری از اتحادیه‌ها و فعالان صنفی خود دست به نوآوری زده‌اند؛ از دیجیتالی کردن خدمات گرفته تا ایجاد سازوکارهای نظارتی درونی که بخش قابل توجهی از بار دولت را در حوزه بازرسی و کنترل بازار بر دوش می‌کشند. چنین روندی نشان می‌دهد که تحول اقتصادی الزاماً محصول تصمیمات کلان نیست؛ گاه از دل خود بازار و به‌دست فعالان آن زاده می‌شود. حفظ استقلال اصناف، شرط لازم برای تداوم این مسیر است. همگرایی که دستگاه‌های اجرایی و نهادهای تصمیم‌گیر به‌مرزهای قانونی این بخش احترام بگذارند، اصناف می‌توانند در چارچوب اختیارات خود تصمیم‌سازی کنند، مسئولیت‌پذیرند و پاسخ‌گو باشند. تضعیف جایگاه اصناف یا دخالت در حوزه‌های قانونی آن‌ها، نه‌فقط مغایر روح قانون نظام صنفی است بلکه موجب گسست در یکی از کارآمدترین سازوکارهای تنظیم بازار می‌شود. از همین رو، بازنگری و روزآمدسازی قانون نظام صنفی ضرورتی فوری است تا بتواند با مقتضیات عصر دیجیتال هماهنگ شود و به اصناف قدرت تصمیم‌گیری و انطباق بیشتری بدهد. تجربه ماه‌های گذشته نیز گواهی بر اهمیت این بخش است. در دوره‌ای که کشور با دشواری‌های اقتصادی و نوسان‌های بازار مواجه بود، اصناف با رفتار مسئولانه و همدلانه، اجازه ندادند ثبات بازار آسیب ببیند. بدون سوءاستفاده از شرایط و در همکاری نزدیک با دولت، توانستند نظم و تعادل را در بازار حفظ کنند. این رفتار، نشانه‌ای روشن از بلوغ نهادی و اعتماد اجتماعی است که در میان فعالان صنفی شکل گرفته است. اصناف بیش از همیشه به حمایت فکری، حقوقی و فناورانه نیاز دارند تا با ابزارهای نوآورانه و مشارکت در سیاست‌گذاری اقتصادی، با تحولات جهانی همگام شوند. آینده اقتصاد ایران به پیوند سنت و نوآوری وابسته است و اصناف، به‌عنوان حلقه این اتصال، نقش کلیدی در توسعه پایدار دارند؛ دولت باید در کنار آن‌ها بایستد و توانمندی‌شان را تقویت کند.

منبع خبرگزاری مهر